



ویژه نوجوانان، سال نوزدهم، شماره ۹۶۴
پنجشنبه ۴ مهر، ضمیمه روزنامه همشهری شماره ۷۷۶۹۰

مسافران سرزمینی پدجوراب بلند

سلام هم سایه ها؟!!

بچه ها زمینی را فجاکه می دهند



داستان ریسمان ها و سیاه چاله ها داده ها نمی میرند!

● مهسا لژی

کنیم.

خب مشخص شد که چرا از عصبانیت سرخ شده بود. عموآلبرت با دلواپسی گفت: «کلید باید همین جاها باشه... خودت می دونی که حافظه ی خوبی ندارم...»

– پس دست از قفل کردن اون فکسنتی بردار...

قبل از این که عموآلبرت بتواند حرف دیگری بزند، ورنر هایزنبرگ به سمت در رفت و تا آن را باز کرد هیکل «لئونارد ساسکیند» پیدا شد. مثل همیشه از دیدن هایزنبرگ ذوق کرد و به پشتش زد و گفت: «کجا می روی ورنر، بشین یه دست گل یا پوچ بازی کنیم.»

من مارمولک فراک پوش هستم. این جا، یعنی در کافه ی «آلبرت اینشتین»، یا همان عموآلبرت خودمان، زندگی می کنم. رییس و کافه چی این جا عموآلبرت است و گاهی آن مرد کلاه به سر، «ورنر هایزنبرگ» برای نواختن پیانو ی قدیمی گوشه ی کافه به این جا می آید.

امروز خیلی عصبانی بود و وقتی داشت کلاهش را روی سرش می گذاشت تا از کافه برود گفت: «گه تنها چیزی که توی این کافه نباید خاک بخوره کلاویه های این پیانو فکسنتیه، دست کم کلید در پوش پیانو رو به میخی بالای سرش آویزون کن، تا بتونم این لندهور رو بازش



تصویری: بابک قربان

ساسکیند با صدایی که موقع بهیجان آمدن نازک می شد فریاد زد: «این که کاری نداره آلبرت!»

عموآلبرت که هنوز داشت دور و بر را واری می کرد گفت: «چی؟»

ساسکیند گفت: «شرلوک هولمز می گه وقتی چیزهای نامحتمل رو حذف کنی، چیزی که باقی می مونه باید درست باشه، هر چند چیز باقی مونده، خیلی نامحتمل باشه.»

ادامه در صفحه ی ۱۸

یادمان باشد



● یادمان باشد: ازنمایشگاه تصویرگری «صلح را باید از کودکی آموخت!» در گالری لاله دیدن کنیم. انجمن تصویرگران ایران و شورای کتاب کودک این نمایشگاه را برگزار کرده اند. در این نمایشگاه بین المللی می توانیم آثاری از تصویرگران ۲۱ کشور جهان را ببینیم. گالری لاله (خیابان فاطمی، ضلع شمالی پارک لاله) از شنبه تا پنجشنبه میزبان علاقه مندان است.

● امسال در شهر تهران ۲۶۸ مدرسه بازگشایی شده و کلی برنامه برای روزهای اول مهر برنامه ریزی شده؛ اما جالب ترین برنامه به نقل از مجتبی دانشور، مدیر کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران، برگزاری ۳۶۶ تور گردشگری برای دانش آموزان است.

● یادمان باشد از نمایشگاه «تصویرسازی عاشورا» در موزه ی امام علی ۴ دیدن کنیم. این نمایشگاه تا ۲۸ مهر دایر است و ۲۰ اثر از ۲۰ هنرمند تصویرگر فعال و شناخته شده، نمایش می دهد. برای دریافت اطلاعات بیشتر می توان با تلفن ۰۲۴۸۴۸۲۳۰ تماس گرفت.



● داوران بخش منطقه ای بیست و دومین جشنواره بین المللی قصه گوئی معرفی شدند: رضا بابک، عباس جهانگیریان، علی خانجانی، مریم سعادت، حمید گلی و محسن هجری.

● به گزارش روابط عمومی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در حمله

منطقه ای بیست و دومین جشنواره ی بین المللی قصه گوئی از ۱۸ آبان تا ۴ آذر ۱۳۹۸ در استان های آذربایجان غربی، لرستان، فارس، خراسان رضوی و گلستان برگزار می شود و نفرت برتر ۳۱ جشنواره ی استانی، برای راه یابی به مرحله ی ملی و بین المللی توانایی های خود را در معرض دید داوران قرار می دهند.

● یادمان باشد به مناسبت «هفته ی دفاع مقدس» تا شنبه ی آینده، ششم مهر بازدید از موزه ی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس رایگان است. ساعت بازدید از موزه در روزهای شنبه تا پنجشنبه از ساعت ۹ تا ۲۱ و در روز جمعه ۱۰ تا ۲۱ است. موزه ی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در بزرگراه شهید حقانی، خیابان سرو، روبه روی پارک طالقانی قرار دارد.

● یادمان باشد نمایشگاه عکس های تاریخی با عنوان «تعزیه و تکیه» در موزه ی عکس خانه ی شهر تا ۱۸ مهر برپاست و هنوز برای تماشای این عکس ها فرصت داریم. در تماس با تلفن ۰۸۸۴۸۹۹۲ می توان اطلاعات بیش تری دریافت کرد.

مدرسه ی خوب

مدرسه ی بدون زباله!



لازم را به دانش آموزان می دهند. ارائه ی پوسترها و موشن گرافی های متنوع هم می تواند سطح دانش و اطلاعات دانش آموزان را در خصوص پسماند بالا ببرد. کرمی توضیح می دهد: «در فضای مجازی در ماه محرم، کمپین #پس از... این راه افتاد که هم چنان ادامه دارد موضوع این کمپین، پسماندها و تولید کم تر پسماند است. شاید این پرسش به ذهن بسیاری از ما بیاید که چگونه می توانیم در شمار دانش آموزان

داریم که فکر کنیم این تعداد دانش آموز می توانند سهم مهمی در حل مسائل زیست محیطی کشورمان داشته باشند. همان طور که می دانید جمعی گذشته دانش آموزان بسیاری از کشورها در اعتراض به گرمایش زمین با حمل پلاکاردهایی راهپیمایی کردند و از دولت ها خواستند که بیش تر به مسائل زیست محیطی توجه کنند. پس دانش آموزان در سراسر جهان خواستار زمین سبز هستند.

امسال با شروع سال تحصیلی برنامه های گوناگونی در حوزة مدیریت پسماند در مدرسه ها اجرا می شود. سعه ده کرمی، مدیر مرکز آموزش پسماند شهرداری تهران می گوید: «مرکز آموزش پسماند، مثل سال های گذشته، هر روز میزبان دو مدرسه خواهد بود و دانش آموزان در اردویی دو ساعته می توانند با روند تولید و نحوه ی مدیریت پسماندهای شهری آشنا شوند. مدیران مدارس می توانند در تماس با مرکز برای برگزاری این اردوها اقدام کنند.» او هم چنین توضیح می دهد: «کارشناسان آموزش پسماند در مناطق ۲۲ گانه ی شهر تهران حضور دارند و با هماهنگی قبلی به مدرسه ها می روند و در این زمینه آموزش های

مدرسه ی خوب، مدرسه ی بدون زباله است!» این عنوان یک اینفوگرافی است که سازمان مدیریت پسماند، در آغاز سال تحصیلی آن را برای دانش آموزان تهیه کرده و در اختیار مدارس قرار داده است. در این اینفوگرافی می خوانیم: «در مدرسه، گروه های داوطلب مدیریت پسماند تشکیل بدهیم و با دوستان مان در مورد پسماندها و باز یافت صحبت کنیم. دوم این که جای مناسب برای مخازن پسماند خشک و تر را در مدرسه شناسایی کنیم و به مدیر مدرسه پیشنهاد بدهیم که با همکاری شهرداری برای کلاس های درس و دیگر فضاهای مدرسه، مخازن تفکیک پسماند تهیه کند. با دوستان مان قرار بگذاریم کتاب و دفترهای سال گذشته را به جای سطل زباله به غرفه های باز یافت نزدیک مدرسه تحویل بدهند.

در بخشی دیگر از این اینفوگرافی آمده است که روش تولید کمپوست را در مدرسه یادگیریم و تا حد امکان از پسماند برگ های خزان شده برای تولید کود کمپوست با خاک برگ استفاده کنیم. این طوری به درخت ها و گل های حیاط مدرسه هم کمک می کنیم!» ما بیش از ۱۴ میلیون دانش آموز در کشور

پادشاه سیارک ۳۲۵

و طلوع خورشید

● فریبا خانی

بعضی روزها می توانیم پادشاه سیارک ۳۲۵ در داستان شازده کوچولو باشیم! پادشاهی تنها در سیارک کوچک خودمان. خیلی کیف می دهد. می توانیم به کائنات دستور بدهیم. مثلاً دستور بدهیم که خورشید طلوع یا غروب کند اما به وقتش. یاد بورد و برگ های تازگی نارنجی شده ی درختان را به زمین بریزد؛ باز هم به وقتش. کتاب شازده کوچولو، شاهکار است و در هر بخش آن درس و نکته ای تازه هست. فکرش را بکنید، تنها ساکن یک سیاره ی کوچک باشید و فکر کنید پادشاهید.

در بخشی از این کتاب می خوانیم که شازده کوچولو با پادشاه سیارک ۳۲۵ دیدار می کند. شازده کوچولو چون از راه دوری آمده خسته و خواب آلود است. در حضور پادشاه خمیازه می کشد، اما پادشاه به او تذکر می دهد: «خمیازه کشیدن در حضور سلطان از نزاکت به دور است؛ این کار قدغن است!» شازده کوچولوی باهوش توضیح می دهد که چرا خسته است و چرا خمیازه می کشد و پادشاه به او اجازه ی خمیازه کشیدن می دهد. بعد شازده کوچولو از پادشاه می پرسد: «پادشاه، شما به چه چیزی سلطنت می کنید؟» و پادشاه پاسخ می دهد: «به همه چیز!» و با حرکت دست به سیارک ها اشاره می کند. شازده کوچولو از پادشاه می خواهد که حالا که به همه چیز سلطنت می کنید؛ دستور بدهید که خورشید غروب کند؛ چون من دوست دارم، غروب خورشید را ببینم. اما پادشاه می گوید: «به وقتش تو غروب خورشید را هم خواهی دید!» بعد مثال می زند که اگر ما به کسی امر کنیم؛ که همین الان مثل شب پر از یک گل به گل دیگر بپرد یا یک قصه ی سوزناک بنویسد یا نه مثل مرغ دریایی در آید و او اجرا نکند؛ ما مقصریم یا او؟ شازده کوچولو می گوید: «معلوم است ما!» وقتی شازده کوچولو از دیدن غروب خورشید ناامید می شود؛ سعی می کند که از سیارک خارج شود. پادشاه از او می خواهد که بماند. به او وعده می دهد که وزیر دادگستری باشد؛ شازده کوچولو تعجب می کند. او می گوید: «این جا که کسی نیست تا او را دادگاهی کنم؟» و پادشاه می گوید: «می توانی خودت را دادگاهی کنی و این سخت ترین کار دنیا است!» راست می گوید دادگاهی کردن دیگران چه آسان و دادگاهی کردن خودمان چه سخت است! حالا بیا فکر کنیم پادشاه سیارک ۳۲۵ هستیم. اصلاً چرا پادشاه سیارک ۳۲۵ باشیم، می توانیم شازده کوچولو باشیم که همه چیز جهان را جور دیگر می بیند و عاشق طلوع و غروب خورشید است اما به وقتش!



ادامه از صفحه ۱۷

داستان ریسمان‌ها و سیاه‌چاله‌ها داده‌ها نمی‌میرند!



– دکمه؟

– هر چی.

– هر چه قدر نامحتمل باشه مهم نیست آلبرت،

وقتی همه‌ی چیزهای نامحتمل حذف شده، دیگه

مهم نیست چیز باقی‌مونده چه قدر نامحتمله. تو

هنوز نتوانستی تشخیص بدی توی کدوم دسته؟

عمو آلبرت سبیلش را جوید و گفت: «من از

روی دست‌ها تشخص نمی‌دم.»

«درسته ستاره‌ی پیر عزیز من. جواب درسته. این

دست‌ها نشون نمی‌دن چی توشونه. اما اون چیز،

اون کلید، اون پیپ، اون دکمه‌ی لعنتی توشه.»

بعد دست‌هایش را باز کرد. توی یکی از آن‌ها

یک میخ بود.

هیچ‌وقت پیدا نشه، برای این‌که از این جهان محو

بشه و هوش و حواس من رو مسخره کنه...»

– پیپ؟ پیپ یا کلید اینشتین؟

عمو آلبرت سرش را بالا گرفت و گفت: «ها؟

صدای جیغ ناشی از هیجان، داد زد: «اما تو به

پیرمرد کوچولو و نحیفی آلبرت! جرمت کم‌تر از

اونه که سیاه‌چاله بشی.»

بعد همان‌طور که هنوز دست‌هایش را مشت

نگه داشته بود سر جایش آرام گرفت: «تو هنوز

مثل یک ستاره‌ی سینمایی می‌درخشی آلبرت.

بگو توی کدوم دسته؟»

عمو آلبرت به قهوه‌اش چشم دوخت و گفت:

«اما پیپ لعنتی از نقطه‌ی «بی‌بازگشت» گذشته

ساکسیند. برای مسخره کردن من، برای این‌که

نامحتمل سخنرانی می‌کنی؟»

سیاه‌چاله‌ها و اطلاعات گم‌شده

سیاه‌چاله به ناحیه‌ای از فضا مان گفته می‌شود که آثار

گرانشی‌اش بسیار نیرومند است؛ آن قدر که هیچ چیز حتی نور نمی‌تواند از این

میدان گرانشی بگریزد. نظریه‌ی نسبیت عام اینشتین پیش‌بینی می‌کند که یک جرم به اندازه‌ی

کافی فشرده، می‌تواند باعث تغییر شکل و خمیدگی فضا زمان و تشکیل سیاه‌چاله بشود. هیچ چیزی پس از عبور از

مرز این ناحیه نمی‌تواند به بیرون برگردد؛ این مرز را «افق رویداد» می‌نامند. سیاه‌چاله‌ی ستاره‌ای در جریان فروپاشی یک

ستاره‌ی بزرگ و هنگام انفجار، در پایان چرخه‌ی زندگی ستاره به‌وجود می‌آید. آن چه که ساکسیند در باره‌ی سیاه‌چاله‌ها نشان

داد حفظ قانون فناناپذیری اطلاعات است. یک قطعه فیلم هولوگرام را در نظر بگیرید. از روی این فیلم، حتی اگر آن را با میکروسکوپ

بررسی کنید نمی‌توانید بگویید چه اطلاعاتی در آن نهفته است. تنها یک فیلم دو بعدی نامفهوم است. اما اگر روی هولوگرام نور تابیده

شود آنگاه یک تصویر سه بعدی کامل و مشخص ظاهر خواهد شد. یعنی اطلاعات این تصویر سه بعدی و واقعی، در صفحه‌ی هولوگرام دو

بعدی، به گونه‌ای که برای ما با دیدن فیلم آشکار نیست، نهفته شده است. ایده‌ی ساکسیند برای اطلاعات سقوط کرده در سیاه‌چاله نیز

به این مثال شباهت دارد. وقتی چیزی درون سیاه‌چاله می‌افتد و از افق رویداد عبور می‌کند. برای مشاهده‌گری که بیرون سیاه‌چاله

قرار دارد، محو و نابود می‌شود. اما این مثل نگاه کردن به فیلم هولوگرام است که به نظر اطلاعاتی ندارد. در واقع سطح دو

بعدی سیاه‌چاله، حاوی اطلاعات از چیزی سه بعدی است که داخلش افتاده است؛ دستاوردهای این ایده‌ی بزرگ، فقط

به موضوع سیاه‌چاله‌ها محدود نمی‌شود و فیزیکدانان را بر آن داشت که به واقعیت از دریچه‌ی دیگری

نگاه کنند و این ایده حتی برای توصیف جهان هم به کار رفت.

او می‌خواست اینشتین بشود!

لئونارد ساکسیند / تولد: ۱۹۴۰ در نیویورک / مرگ: برخلاف انتظار هنوز زنده است.

لئونارد ساکسیند، یکی از فیزیکدانان نظری بزرگ جهان و استاد فیزیک نظری دانشگاه

استنفورد، به پدر نظریه‌ی ریسمان معروف است. علاقه‌مندی پژوهشی او حوزه‌های زیادی

را در بر می‌گیرد از جمله: نظریه‌ی ریسمان، نظریه‌ی میدان کوانتومی، مکانیک آماری کوانتومی و

کیهان‌شناسی کوانتومی. او عضو آکادمی علوم آمریکاست. او در خاطرات خود تعریف می‌کند: «وقتی به

پدرم گفتم می‌خواهم فیزیکدان بشوم، او گفت: می‌خواهی در یک داروخانه کار کنی؟ گفتم: نه، من نمی‌خواهم

داروساز بشوم می‌خواهم اینشتین بشوم! او زد به سینه‌ام و گفت: تو نمی‌خواهی مهندس بشوی، می‌خواهی

اینشتین بشوی!» هم چنین تعریف می‌کند: «وقتی ۱۶ ساله بودم لوله‌کشی می‌کردم، اما این کاری نبود که بخواهم

در بقیه‌ی زندگی‌ام آن را ادامه بدهم. اما تفسیرها و تشبیهاتی که در فیزیک به کار می‌برم ارتباط نزدیکی با

لوله‌کشی دارد! تشبیهی که بارها برای سیاه‌چاله به کار برده‌ام آبی است که از راه لوله، پایین کشیده می‌شود و

بعضی‌ها هم گفته‌اند ابداع نظریه‌ی ریسمان که ارتباط نزدیکی با لوله دارد، باید کار ساکسیند لوله‌کش باشد!»

وقتی ساکسیند اولین ایده‌ی انقلابی‌اش را مطرح کرد، کارشناسان بررسی مقاله‌اش گفتند که این مقاله

آن قدر خوب نیست که چاپ بشود، اما با گذشت زمان درستی ایده‌ی انقلابی او درباره‌ی ریسمان‌ها

بر فیزیکدانان روشن شد. از کارهای مهم ساکسیند پژوهش درباره‌ی سیاه‌چاله‌هاست. او

منظره‌ی مشهوری با فیزیکدان برجسته، «استیون هاو کینگ» درباره‌ی پاستگی

اطلاعات در سیاه‌چاله‌ها داشته است.



کافه علم — ۳

پویش ملی نام‌گذاری یک سیاره‌ی فر‌خورشیدی و ستاره‌ی مادر

توبگو اسمشان را چه بگذاریم!

سیاره، دوسال پس از شناسایی آن توسط کپلر، از تلسکوپ فضایی هابل استفاده کردند و اطلاعات به‌دست آمده از نور کوتوله‌ی سرخ میزبان را هم‌زمان با حرکت کی ۲-۱۸بی به‌دور آن در هشت موقعیت مختلف تحلیل کردند. اطلاعات به‌دست آمده نشان داد که هم‌زمان با عبور کی ۲-۱۸بی از مقابل کوتوله‌ی سرخ، طول موج‌های نوری که توسط آب جذب می‌شوند، ناگهان افت می‌کنند و با حرکت سیاره، مجدداً زیاد می‌شوند.

خانم تینتی در این‌باره گفته است: «در کمال تعجب ما شاهد اثر بسیار قوی بخار آب در جو این سیاره بودیم، این در وهله‌ی نخست یعنی این که سیاره‌ی مذکور برای خودش جو دارد و دوم این که حاوی مقدار قابل توجهی آب است.»

خانم تینتی اضافه می‌کند: «ما مطمئنیم که علاوه بر بخار آب، مقداری هیدروژن و هلیوم در اتمسفر این سیاره وجود دارد. اما فعلاً چیز دیگری نمی‌توانیم بگوییم و باید منتظر نسل‌های بعدی تلسکوپ‌ها باشیم.»

پروفسور تینتی، هدایت تیمی را برای ارسال یک تلسکوپ فضایی به مدار زمین برعهده دارد که مأموریت اصلی آن، بررسی ترکیب‌های شیمیایی سیاره‌ها خواهد بود. این تلسکوپ که به «آریل» مشهور است در سال ۲۰۲۸ میلادی به فضا پرتاب خواهد شد، بخشی از برنامه‌ی «کازمیک ویزن» (نگاه کیهانی) آژانس فضایی اروپا است.

محمدرضا نوروبی، کارشناس نجوم و منجم آماتور نیز درباره‌ی وضعیت سیاره‌ی کی ۲-۱۸بی در صفحه‌ی اینستاگرامش نوشت: «اندازه و جاذبه‌ی سطحی این سیاره، خیلی از زمین بیش‌تر است و میزان تابش‌های ستاره‌ی مادر بر سطح آن می‌تواند خیلی خطرناک باشد.»

او می‌گوید: «این سیاره، سنگی است و در منطقه‌ی حیات‌مندی قرار دارد. منطقه‌ی حیات‌مندی، به منطقه‌ای پیرامون یک ستاره گفته می‌شود که در آن، دما و تابش‌های ستاره در حدی است که آب می‌تواند به‌شکل مایع روی سطح سیاره باقی‌بماند.»

نوروزی درباره‌ی احتمال وجود حیات در کی ۲-۱۸بی، با داده‌های فعلی‌ای که در دست داریم می‌گوید: «همان‌طور که می‌دانید، جرم این سیاره تقریباً هشت برابر کره‌ی زمین است، پس بدیهی است که گرانش زیادی دارد و از سوی دیگر، فعالیت شدید ستاره‌ی مادر این سیاره باعث می‌شود انتظار چندانی نداشته باشیم که حیات‌روزی همانند آن چه روی زمین داریم، روی این سیاره بنشینم و به‌نظر نمی‌رسد جای مطلوب و آرامی برای حیات شناخته‌شده و مرسوم ما روی زمین باشد.»

این که روی سطح کی ۲-۱۸بی، آب و نوعی از حیات وجود دارد یا نه، سؤالی است که در ادامه‌ی تحقیقات بر روی این سیاره و در سال‌های آینده مشخص خواهد شد، اما این کشف بزرگ، همه‌ی ما را امیدوارتر از قبل کرده که در جهان تنها نباشیم و به امید روزی بمانیم که بتوانیم با هم‌سایه‌های احتمالی‌مان در منظومه‌های دیگر ارتباط برقرار کنیم و برایشان پیام بفرستیم و بگوییم: «سلام هم‌سایه‌ها!»

نگاهی به کشف بخار آب در سیاره‌ی «کی ۲-۱۸ بی»

سلام هم‌سایه‌ها؟!!

● علی مولوی



برداشت هنرمند از سیاره‌ی فراخورشیدی کی ۲-۱۸بی (K2-B12) سازمان ناسا

با این که بیش از هفت و نیم میلیارد نفریم، اما باز هم احساس تنهایی می‌کنیم! فرقی ندارد کارشناس نجوم باشیم یا هیچ‌چیز از دنیای بالای سرمان ندانیم؛ هروقت که به ستاره‌های آسمان نگاه کرده‌ایم یا هروقت که فیلمی فضایی یا علمی‌تخیلی دیده‌ایم، به موجودات فضایی از هر نوعش فکر کرده‌ایم؛ از موجودات تک‌سلولی گرفته تا انسان‌هایی شبیه خودمان یا هیولاهایی که می‌خواهند سیاره‌ی ما را تصرف کنند! شاید از ابتدای تاریخ تا امروز، این همیشگی‌ترین سؤال بشر بوده باشد؛ ما ساکنان زمین، در جهان تنها هستیم؟

دو هفته پیش، خبر مهمی در نشریه‌ی «نیچر آسترونومی» منتشر شد که شاید آن را شنیده باشید. محققان کالج دانشگاهی لندن با استفاده از داده‌های تلسکوپ فضایی هابل، توانستند بخار آب را در جو سیاره‌ای به نام «کی ۲-۱۸بی» (K2-18b) کشف کنند. اتفاق مهمی که پیش از این سابقه نداشته و ما را کمی به رؤیای تنهایی‌بودن در جهان نزدیک کرده است.

این سیاره‌ی فراخورشیدی که اولین بار در سال ۲۰۱۵ میلادی با تلسکوپ فضایی کپلر مشاهده شد، یک «ابرزمین»

است. ابرزمین، به سیاره‌ای فراخورشیدی گفته می‌شود که جرمی بالاتر از کره‌ی زمین دارد، اما به مراتب از غول‌های یخی منظومه‌ی شمسی، یعنی اورانوس و نپتون که ۱۴/۵ برابر و ۱۷ برابر کره‌ی زمین جرم دارند، کوچک‌تر است.

در اطلاعات اولیه ذکر شده بود که سیاره‌ی کی ۲-۱۸بی، حدود ۱۱۰ سال نوری با کره‌ی زمین فاصله دارد، اما در اطلاعات تکمیلی و بررسی‌های تازه، فاصله‌ی این سیاره با زمین، ۱۲۴ سال نوری تخمین زده شده است.

پروفسور «جیووانا تینتی» سرپرست این مطالعه از کالج دانشگاهی لندن درباره‌ی این سیاره به مجله‌ی استرالیایی کاسموس گفته است: «ستاره‌ی مرکزی این منظومه بسیار کوچک‌تر و سردتر از خورشید است و به همین دلیل در مقایسه با منظومه‌ی شمسی، منطقه‌ی حیات‌مندی در آن خیلی به مرکز منظومه نزدیک‌تر است.»

این سیاره هر ۳۳ روز یک‌بار به‌دور ستاره‌ی خود می‌چرخد؛ ستاره‌ای که در اصطلاح نجومی، «کوتوله‌ی سرخ» نامیده می‌شود، نامی که به ستاره‌هایی سرخ‌رنگ داده شده که جرمی کم‌تر از نصف جرم خورشید دارند. قطر این سیاره ۲/۳ برابر

قصه

چشم‌هایم

شرح قصه‌ی فراق است

حیف با قصه همیشه خوابت می‌برد

مریم خالقی هرسینی
از تهران

کدام کلمه؟

نبودنت را

هیچ کلمه‌ای بر نمی‌کند

کلمات هرگز این همه توانمند نیستند...

کوثر مزیانی

۱۷ساله از تهران

شروع

پاییز باش

با مهر شروع کن...

نرگس دارینی
۱۷ساله از کرج

مهر

جاده‌ها بوی رفتن می‌دهد

پاییز آرام و بی‌صدا

ته تغاری تابستان را

به باد می‌سپارد

و مهر

در دل شهر

جاخوش می‌کند

پریساسادات مناجاتی
۱۶ساله از کرج

عکس: صبا خوشکلام، ۱۷ساله از همدان

حال انتما
چه‌طور است؟

انگار امیده باشیم توی قایقی که روی آب و زیر نور آفتاب آرام آرام تکان می‌خورد و در حال کتاب خواندن یا چرت‌زدن باشیم و هیچ حواسمان به زمان هم نباشد و ناگهان یک موج بزرگ بیاید و بادی بوزد و یادمان بیاورد که چه امیدهای! تابستان تمام شده!

یا این که داستان طور دیگری باشد، نشسته باشیم توی خانه و دیگر نه کتاب خواندن و فیلم دیدن جذاب باشد، نه گردش توی پارک و حوصله‌مان پاک سر رفته باشد و یکی بیاید بگوید... پاشو... پاشو... پاییز آمده!

شما شبیه کدام یک از این دو وضعیت هستید؟

مثل زهر اوطن دوست که با تابستان خداحافظی کرده: «تابستان تمام شد، اما لذت خوردن بستنی یخی و بازی کردن در کوچه پس‌کوچه‌های شهر هرگز تمام نمی‌شود...»

یا پرستو فیضی که به پاییز سلام گفته: «پاییز جان! آمدی؟ قدمت بر سر چشم، دل تنگ بودم، خش‌خش برگ درخت، باران، بوی نم، من تو را سراپا گوشم.»

شاید هم مثل ملیکا غلامی سؤال دارید: «با شروع مدرسه‌ها با دو سؤال معروف روبه‌رو می‌شویم: اول این که تابستان خود را چگونه گذرانیدی؟ و دوم این که از شروع شدن مدرسه‌ها چه حسی دارید؟»

اتاق

گفت‌وگو

موبایل: ۰۹۳۳۴۱۲۷۴۸۹

ای‌میل: docharkheh@hamshahri.org

این جا قرار است با هم گفت‌وگو کنیم. ما سؤال کنیم و شما جواب بدهید یا خودتان بپرسید و بقیه‌ی نوجوان‌ها جواب بدهند. گاهی هم از ما سؤال کنید تا پاسخ بدهیم. این‌جا اتاق گفت‌وگوست.

سؤال ما:

چیزی به آغاز سال تحصیلی نمونده. برای شروع مدرسه هیجان دارید؟ ندارید؟ چرا؟

عکس: زینب علی‌سرک، ۱۶ساله از پاکدشت

THE ASTRID LINDGREN
MEMORIAL AWARD

آشنایی با نامزدهای ایرانی جایزه‌ی آسترید لیندگرن - ۲۰۲۰

مساک برای سرزمینی
بچه‌جو را بکند

جایزه

نیلوفر نیک بنیاد

مطمئنم اسم «بی‌بی جو را بلند» را خوانده یا شنیده‌اید - شخصیتی که نوجوانان چندین دهه با داستانش خاطره دارند - اما شاید اسم نویسنده‌اش یعنی آسترید لیندگرن را به یاد نیاورید. او نویسنده‌ای سوئدی بود که سال‌های زیادی از عمرش را صرف نوشتن برای بچه‌ها و گسترش انسانیت و شرف از طریق داستان‌هایش کرد. او از نویسندگان تأثیرگذار ادبیات کودک و نوجوان دنیا به حساب می‌آید. البته قرار نیست همه‌ی مطلب را به خانم لیندگرن اختصاص بدهیم، بلکه می‌خواهیم درباره‌ی جایزه‌ای که به نام او شکل گرفته و هر سال برگزار می‌شود، حرف بزنیم؛ یعنی جایزه‌ی جهانی آسترید لیندگرن.

داستان از آن‌جا آغاز شد که در سال ۲۰۰۲ بعد از فوت آسترید لیندگرن، مسئولان فرهنگی سوئد تصمیم گرفتند برای یادبود او جایزه‌ای بین‌المللی برگزار کنند که اهالی ادبیات کودک و نوجوان سراسر دنیا در آن حضور داشته باشند.

جایزه‌ی جهانی آسترید لیندگرن در هر کشور سازمان‌هایی را که بیش‌تر با نویسندگان و تصویرگران و اهالی ادبیات کودک و نوجوان ارتباط دارند، به عنوان نماینده‌ی خود انتخاب می‌کند تا نامزدهای کشور خودشان را به دبیرخانه‌ی این جایزه معرفی کنند. هر سال بیش از ۶۰ کشور در این رقابت شرکت می‌کنند. در کشور ما چهار نهاد این مسئولیت را به عهده دارند: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شورای کتاب کودک، مؤسسه‌ی پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان.

این جایزه، بزرگ‌ترین جایزه‌ی ادبی کودک و نوجوان دنیاست و البته گران‌ترینش! یعنی اگر از افتخار و حس غرور و پاداش‌های معنوی شخص برنده بین آن همه شرکت‌کننده بین‌المللی بگذریم، از نظر مالی هم بهترین جایزه‌ی ادبی کودک و نوجوان دنیاست. هدی‌های شخص برنده ۵ میلیون کرون سوئد (حدوداً بیش‌تر از پنج میلیارد تومان) است که هر سال به یک یا چند برنده تعلق می‌گیرد.

از کشور ما و برای سال ۲۰۲۰ نهادهای گفته شده شش نامزد معرفی کرده‌اند که در این‌جا، کوتاه آن‌ها را معرفی می‌کنیم.

مهدی جوانی

مهدی جوانی از آن آدم‌های پشت پرده است؛ یعنی کسانی که در انجام کارها نقش مهمی دارند، اما معمولاً کم‌تر به چشم می‌آیند. او هم نویسنده است و هم مترجم. کتاب‌های زیادی مثل «الف دال میم»، «یک آسمان خبر»، «احمد آقا» و «جلی بیلی و پیشی» را نوشته و کتاب‌های زیادی مثل «سفر باورنکردنی ادوارد»، «آتش بالای کوه» و «از این سو تا آن سوی رودخانه» را ترجمه کرده است، اما همان‌طور که پیش‌تر گفتیم در جایزه‌ی جهانی آسترید لیندگرن در بخش مروجان کتاب‌خوانی نامزد شده است. چرا که در بسیاری از اتفاق‌های مرتبط با ادبیات کودک و نوجوان در کشور نقش داشته است. او در شکل‌گیری انجمن‌های مهمی مثل انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، انجمن تصویرگران کتاب کودک و مرکز مطالعات ادبیات کودک نقش داشته؛ مؤسس مجلات مهم و تخصصی مانند کتاب ماه کودک و نوجوان و پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان بوده، کلاس‌های فراوان داستان‌نویسی برگزار کرده و حتی شکل‌گیری فهرست و جایزه‌ی لاک پشت برنده، که هر فصل منتظر اعلام کتاب‌های منتخبش می‌مانیم، هم به پیشنهاد او بوده است.



● فرهاد حسن‌زاده

این چهارمین بار است که فرهاد حسن‌زاده از طرف نهادهای مختلف نامزد جایزه‌ی آسترید لیندگرن می‌شود. او پیشینه‌ی نامزدی جایزه‌ی جهانی هانس کریستین آندرسن (یا همان نوبل ادبیات کودک) را هم در کارنامه‌ی خود دارد و به فهرست پنج نفر نهایی آن راه پیدا کرده است. حسن‌زاده داستان می‌نویسد، شعر می‌گوید، طنز می‌نویسد و برای همه‌ی گروه‌های سنی (از خردسال تا بزرگسال) دست به قلم می‌برد، اما بیش‌تر به عنوان نویسنده‌ی کودک و نوجوان شناخته شده است. حتماً کتاب‌های «هستی»، «زیا صدایم کن»، «این ویلاگ و اگذار می‌شود» و «هویج‌بستنی» او را دیده‌اید؛ چرا که تا حالا بارها تجدید چاپ شده‌اند و جایزه‌های ملی زیادی گرفته‌اند. راستی کتاب‌های او به چندین زبان زنده‌ی دنیا هم ترجمه شده‌اند، مخصوصاً هستی و زیا صدایم کن. حسن‌زاده تا اواخر سال ۱۳۹۶، دبیر بخش ادبی و طنز دوچرخه هم بود.

● محمدرضا شمس

محمدرضا شمس را بیش‌تر به عنوان نویسنده می‌شناسیم، اما او شعر و ترجمه هم در آثارش دارد. در بیش‌تر نشریات کودک و نوجوان کشور همکاری کرده و تاکنون بیش از ۵۰ کتاب برای بچه‌ها نوشته است. «دختر تارنج و ترنج»، «ل بازیگوش»، «پهلوان تنبل»، «سرزمین دیوها» و «افسانه‌های آنور آب» بعضی از کتاب‌های او هستند. نکته‌ی جالب درباره‌ی شمس این است که او به بازیگری و نمایش هم علاقه‌ی زیادی دارد. سابقه‌ی نویسندگی برای تلویزیون، بازی در مجموعه‌های تلویزیونی و از همه مهم‌تر عروسک گردانی و گویندگی عروسک، چیزی است که نمی‌توانیم از گفتنش منصرف شویم.

● فرشید شفيعی

تصویرگری زبان جهانی است و نیازی نیست که درباره‌ی فرشید شفيعی، اشاره‌ای به ترجمه‌ی کارهایش بکنیم. او تصویرگر، نقاش و انیماتور است و آثارش در سطح بین‌المللی به خوبی شناخته شده‌اند. او کتاب‌های زیادی را تصویرگری کرده و برنده‌ی جوایز بین‌المللی بسیاری شده که به عنوان مثال می‌توانیم به برگزیده شدن در نمایشگاه‌های بین‌المللی براتسلاوا، سارمده و باری پرو اشاره کنیم. راستی، فرشید شفيعی در سال ۲۰۰۷ توانست جایزه‌ی سیب طلایی را هم بگیرد، این جایزه مهم‌ترین جایزه‌ی تصویرگری کتاب کودک و نوجوان در دنیاست. خیلی‌ها می‌گویند تصویرگری‌های شفيعی تلفیقی از سنت و دنیای مدرن ایران است و همین ویژگی، کارهای او را خاص و دیدنی کرده است.



عکس: خیرفرزان پور

● هوشنگ مرادی کرمانی

هوشنگ مرادی کرمانی پیش از این هشت بار نامزد جایزه‌ی آسترید لیندگرن شده است. نهادهای معرفی‌کننده‌ی او در این سال‌ها، پرداختن به زندگی کودک‌کام محروم و آسیب‌دیده و واقعی بودن داستان‌های مرادی کرمانی را از دلایل اصلی انتخاب او عنوان کرده‌اند. احتمالاً اسم این نویسنده قبل از هر چیز شما را به یاد «قصه‌های مجید» می‌اندازد، اما او آثار محبوب و معروف بسیاری دارد. مانند «بچه‌های قالیباف‌خانه»، «خمره»، «تنور»، «مهمان مامان»، «مرای شیرین»... که از روی بعضی‌هایشان آثار سینمایی و تلویزیونی هم ساخته شده است. تا یادم‌ان نرفته این را بگویم که در میان نویسندگان ایرانی ادبیات کودک و نوجوان، آثار مرادی کرمانی بیش از همه به زبان‌های دیگر ترجمه شده است.



● کتاب‌خانه‌های سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

بسیاری از کودکان و نوجوانانی که در مناطق روستایی، دور و محروم زندگی می‌کنند، بسیار سخت به کتاب‌های مناسب سن خود دسترسی دارند. کتاب‌خانه‌های سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای حل این مسئله شکل گرفتند و با گسترش فعالیت‌های این کتاب‌خانه‌ها در چند دهه‌ی اخیر، این مشکل تا حد زیادی برطرف شد. کتاب‌خانه‌های سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خودروهای هستند که به شکل کتاب‌خانه آماده شده‌اند و تعداد زیادی کتاب و تجهیزات فرهنگی درون خود دارند. مربیانی که گرداننده‌ی این کتاب‌خانه‌های سیارند، با این خودروها به روستاهای دور و نزدیک، مناطق حاشیه‌ای و شهرهای کوچک و دور سر می‌زنند، کودکان و نوجوانان را به عضویت کتاب‌خانه درمی‌آورند، برایشان قصه می‌گویند، نمایش اجرا می‌کنند و به آن‌ها کتاب امانت می‌دهند. در حال حاضر بیش از ۱۰۰ کتاب‌خانه‌ی سیار در گوشه و کنار کشور فعالیت می‌کنند. امسال چهارمین باری است که این کتاب‌خانه‌ها برای دریافت جایزه‌ی جهانی آسترید لیندگرن و در بخش ترویج کتاب‌خوانی نامزد می‌شوند.

● سردبیر: مناف یحیی‌پور

تحریریه: شیوا حریری (چشمه‌ها)، فریبا خانی (خبر و ایستگاه)، نفیسه مجیدی‌زاده (دامسج)، علی مولوی (شهر فرنگ و چرخ فلک)، حسین تولایی (شعر)، شادی خوشکار (داستان نوجوان)، سیدسروش طباطبایی‌پور (مدیر داخلی نشریه)، حدیث لزر غلامی، نیلوفر نیک‌بنیاد، یاسمن رضائیان و آیدا ابوترابی

● آتلیه: گشتاسب فروزان (مدیر هنری)، علیرضا صفری (صفحه‌را)، ابراهیم رستمی عزیزی (مسئول هماهنگی) و با سیاس از بخش‌های مختلف روزنامه همشهری

● صندوق پستی دوچرخه: ۵۴۴۶-۱۹۳۹۵

● تلفن: ۲۳۰۲۳۵۹۱ / نامبر: ۲۳۰۲۳۱۰۰

● پست الکترونیکی: docharkheh@hamshahri.org

● دوچرخه را آنلاین بخوانید: docharkheh_weekly

● مدیر مسئول: مهرا کریمی



ضمیمه‌هفتگی

روزنامه همشهری

ویژه نوجوانان

سال نوزدهم، شماره ۹۶۴

پنجشنبه ۴ مهر ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

مدیر مسئول: مهرا کریمی